

تاثیر ادراک نظام شناختی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب

پرهام پوررمضان^۱، * نرگس میرزایی کشه‌ای فراهانی^۲

۱. پژوهشگر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، علامه طباطبایی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۴ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۱۵ شهریور ۱۴۰۳

چکیده

بررسی نظام شناختی سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران یکی از مهم‌ترین قالب‌های شناخت و بررسی رفتارها، کنش‌ها و تصمیم‌گیری‌های این افراد است. نظام شناختی افراد به معنای ادراک، نوع جهان بینی، باورها و ارزش‌ها و همچنین گفتمان‌های حاکم بر این باورها نقش و تأثیرات بسیار عمیقی در این فرایند دارند. الگوی‌های تصمیم‌گیری هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین مسئله سیاست خارجی در دوران پساانقلاب، به‌صورت غیرقابل انکاری تحت تأثیر روان‌شناسی شناخت، کیش شخصیتی، ساخت‌های ادراکی و سبک رهبری سیاست‌مداران حاکم در این عرصه بوده است. در پژوهش حاضر، ما به دنبال بررسی و فهم نظام شناختی دولت تدبیر و امید و تأثیرات آن در رویکردهای سیاسی و تصمیمات اتخاذشده ایران در قبال پرونده هسته‌ای و مذاکرات با غرب هستیم. از این‌رو، پرسش اصلی این پژوهش این است که ادراک نظام شناختی دولت‌های یازدهم و دوازدهم ایران چه تأثیراتی در رویکردهای سیاسی اتخاذشده در قبال مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب داشته است؟ در این پژوهش از روش کیفی با رویکرد توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. شایان ذکر است ابزار گردآوری داده نیز فیش‌برداری و خوانش کتاب‌ها، مقالات و سایت‌های اینترنتی است. به‌دلیل اکتشافی بودن پژوهش از دادن فرضیه پرهیز می‌شود. در نهایت با تحلیل داده‌های توصیفی می‌توان بیان کرد که نظام شناختی و گفتمان‌های حاکم بر باور این دولت، در دگرگونی رویکرد سیاسی ایران در قبال مذاکرات هسته‌ای با غرب از تقابل به تنش‌زدایی تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها:

مذاکرات هسته‌ای،
سیاست خارجی ایران،
ترامپسیسم، نظام شناختی.

* نویسنده مسئول:

نرگس میرزایی کشه‌ای فراهانی
نشانی:

گروه روابط بین الملل، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی، علامه
طباطبایی، تهران، ایران
پست الکترونیک:
N_mirzaii@atu.ac.ir

استناد به این مقاله:

پوررمضان، پرهام و میرزایی کشه‌ای فراهانی، نرگس (۱۴۰۳). تأثیر ادراک نظام شناختی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۲۶)، ۷۵-۵۱.

۱. مقدمه

نظام شناختی و ویژگی‌های شخصیتی رهبران از جمله فاکتورهایی هستند که نقش و تأثیرات عمیق و غیرقابل‌انکاری در رویکردهای سیاسی و به‌طورکلی سیاست خارجی در روابط میان کشورها دارند. مطالعه و بررسی سیاست و شخصیت از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین موضوعات مورد توجه تحلیل‌گران سیاست خارجی بوده است، زیرا آن‌ها همواره علاقه‌مند به فهم و درک این مسائل بوده‌اند که رهبران چگونه جهان را می‌نگرند، چه ادراک و برداشتی از مسائل دارند، چه چیزی به آن‌ها انگیزه می‌دهد و چگونه تصمیم‌گیری می‌کنند.

در واقع آنچه رفتار و تصمیم‌گیری‌های رهبران را شکل و جهت می‌دهد، تصور و ادراک ذهنی آن‌ها از واقعیات است و هرگونه تغییرات در این ادراک می‌تواند منشأ و ریشه تحولات و تغییرات در عرصه سیاست خارجی باشد. به‌عبارتی، نظام سیاسی کشورها در هر شکل و صورتی که باشند، گفتمان‌ها و نخبگانی که قدرت را در عرصه سیاسی کشور به‌دست می‌گیرند، با توجه به ساخت‌های ذهنی- روانی و ادراکی که دارند، سیاست خارجی خود را شکل می‌دهند و فهم ریشه و پایه‌های ذهنی سیاست‌مداران و دولت‌مردان، مهم‌ترین قدم برای تحلیل سیاست خارجی است.

مسیر دیپلماسی و الگوهای تصمیم‌گیری هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش سیاست خارجی پس از انقلاب اسلامی، به‌گونه‌ای غیرقابل‌انکار متأثر از روان‌شناسی شناخت، کیش شخصیتی، ساخت‌های ادراکی و سبک رهبری سیاست‌مداران حاکم در سیاست خارجی بوده است. در واقع اگرچه عوامل متعددی در نوع تصمیم‌گیری، فهم و درک یک موضوع از سوی یک رهبر تأثیر دارند؛ ادراک، باورها و ارزش‌های او نقش بسیار مهم‌تری در این فرایند دارند بنابراین فهم الگوی تصمیم‌گیری و رویکرد سیاسی رهبران بدون شناخت نظام شناختی و سازه شخصیتی آن‌ها در سیاست خارجی ناقص خواهد بود.

هر گفتمان حاکم، متناسب با نوع فضای ادراکی، رویکرد و راهبرد جدیدی را در دستور کار قرار می‌دهد. در واقع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با وجود دارا بودن نظام معنایی مشترک، دارای روایت‌ها و خوانش‌های متفاوت و حتی متضادی بوده که می‌توان این تفاوت و تضاد را در یک نگاه کلان به‌نحوی کاملاً غیرقابل‌انکار متأثر از ساخت‌های ذهنی و ادراکی و همچنین نظام شناختی سیاست‌مداران حاکم در سیاست خارجی دانست. جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران همواره بین فضای ادراکی- شناختی جناح محافظه‌کار و اصلاح‌طلب قرار

داشته و همین موضوع سبب شده به تدریج سیاست خارجی ایران به نوعی ترکیب گیج‌کننده از ایدئولوژی و عمل‌گرایی تبدیل شود.

موضوع حائز اهمیت این است که فیلترهای شناختی تأثیری انکارناپذیر در شکل‌دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی دارد که مصداق بارز این تأثیرات به تناسب ساختارهای شناختی و ادراکی رهبران حاکم در سیاست خارجی گفتمان‌های مختلف بوده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های جمهوری اسلامی مناقشه هسته‌ای بود که روابط ایران و بازیگران نظام بین‌الملل را در همه ابعاد تحت تأثیر قرار داد. با روی کار آمدن دولت روحانی از سوی دیگر، تغییر تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، دیدگاه‌ها و درک سیاست‌مداران و ظهور ادبیات جدید در عرصه سیاست خارجی، همگی نشان‌دهنده شکل‌گیری فصل جدیدی در سیاست خارجی ایران بود که دال مرکزی این فصل و گفتمان جدید، مفهوم اعتدال بود.

این دال به معنای ایجاد و برقراری توازن بین واقع‌بینی منطق دولت-ملت جمهوری اسلامی ایران و آرمان‌گرایی انقلاب اسلامی در سیاست خارجی بود. در نتیجه به موجب این دال، در سیاست خارجی علاوه بر توجه به آرمان‌های انقلاب اسلامی، واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی نیز مد نظر قرار گرفتند، به گونه‌ای که آرمان‌ها باعث ندیدن واقعیت‌ها و واقعیت‌ها نیز موجب غفلت از آرمان‌ها نمی‌شدند.

این پژوهش از آنجا ضرورت دارد که جایگاه شخصیت و جنبه‌های روان‌شناختی، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در فرایند تصمیم‌گیری رهبران و نیز نقش تعیین‌کننده آن در ترسیم روابط و سیاست داخلی و خارجی کشورها، در تبیین کنش‌گری مخصوصاً در سیاست خارجی ایران ضرورت فزاینده‌ای دارد و اهمیت آن این است که تاکنون کاری از این جنبه در راستای سیاست خارجی نتوانسته به ابعاد مغفول این عرصه پردازد.

از این رو، پرسش اصلی این پژوهش این است که ادراک نظام شناختی دولت‌های یازدهم و دوازدهم ایران چه تأثیری در رویکردهای سیاسی اتخاذ شده در قبال مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب داشته است؟

در این پژوهش از روش کیفی با رویکرد توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. شایان ذکر است ابزار گردآوری داده نیز فیش‌برداری و خوانش کتاب‌ها، مقالات و سایت‌های

اینترنتی است. به دلیل اکتشافی بودن پژوهش از دادن فرضیه پرهیز می‌شود. در نهایت با تحلیل داده‌های توصیفی می‌توان بیان کرد که نظام شناختی و گفتمان‌های حاکم بر باور این دولت، در دگرگونی رویکرد سیاسی ایران در قبال مذاکرات هسته‌ای با غرب از تقابل به تنش‌زدایی تأثیرگذار بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» این ایده را دنبال می‌کند که تجزیه و تحلیل و درک و فهم تحولات سیاست خارجی ایران بدون شناخت اصول و مبانی اهداف و استراتژی آن امکان‌پذیر نیست. از این رو، دو موضوع و مطلب در کانون توجه و تمرکز قرار دارد؛ ماهیت اسلامی و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش. سیاست خارجی با این دو مفهوم می‌کوشد به سمت تأمین مصالح اسلامی و منافع ملی حرکت کند.

دولت آبادی و شفیعی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «از هاشمی تا روحانی؛ بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌نگاری» این ایده را دنبال می‌کنند که با بررسی گفتمان‌های سیاست خارجی از دولت سازندگی تا دولت تدبیر و امید درباره عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی، آشکارا می‌توان تقدم ایدئولوژی بر مصلحت‌سنجی را در نگاه سازه‌نگارانه دریافت کرد.

عابدینی و ایزدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نقش متغیرهای داخلی در سیاست‌گذاری مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم» این ایده را دنبال می‌کنند که ساختارهای سیاسی برای تغییر در نوع نگرش خود به جهان بین‌الملل در عوامل پنج‌گانه متغیرها باید اولویت را به نقش و جایگاه تصمیم‌گیرنده بدهند.

کریمی فرد (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «سیاست تنش‌زدایی روحانی در قبال آمریکا؛ اهداف و موانع» این ایده را دنبال می‌کند که دولت‌های یازدهم و دوازدهم با جهان نگرش تغییر به گفتمان‌سازی روی آورده‌اند و این مهم را در مسائل سیاست خارجی از جمله سوژه هسته‌ای می‌توان درک کرد. وی بر این باور است که این گفتمان را می‌توان در قالب بازگشت به تنش‌زدایی و دوری از تنش‌زایی صورت‌بندی کرد.

اسماعیلی و نوری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: بررسی سیاست دموکرات» این ایده را دنبال می‌کنند

که پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست‌های هسته‌ای ایالات متحده در منطقه را دچار چالش کرده، از این رو، این کشور در زمان دموکرات‌ها و جمهوری خواه‌ها با ابزارهای متفاوت دیپلماسی در راستای این امر می‌کوشد که روند ارتباط سیاست خارجی ایران با انرژی هسته‌ای را مسئله‌ای چالش برانگیز مطرح کند.

قربانی شیخ‌نشین و دیگران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «برنامه هسته‌ای ایران و رژیم امنیتی خاورمیانه در عصر ترامپ» این ایده را دنبال می‌کنند که ترامپ در مقابل جمهوری اسلامی ایران با استفاده از چهار ابزار مهم، یعنی تبیین ساختارمند یک ژئوپلیتیک جدید، فشار حداکثری، نفوذ در منطقه غرب آسیا و بازسازی شراکت‌های قدیمی و تغییر در الگوی منطقه‌ای از منظر امنیت، توانست در روند مذاکرات هسته‌ای خلل ایجاد کند و با اتکا بر همین ابزارها از توافق برجام خارج شود.

در نمونه پژوهش‌هایی که در قسمت پیشینه این مقاله به آنها اشاره شده، می‌توان به‌طور نمایان رویکرد نظری یا برداشت‌هایی بر مبنای تجربه‌های سال‌های پیشین را دید. وجه تمایز این مقاله با دیگر آثار پژوهشی را می‌توان در ارجاع‌دهی به مطالب به‌روز و تبیین واقعیت‌های نوین در مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب دانست. در مقام بررسی می‌توان گفت که نکته دارای اهمیت دیگر نیز این است که در این پژوهش کوشش شده در راستا پژوهش‌های بالا گام برداشته شود و با یک خوانش نوین، تحلیلی مبتنی بر ادراک از مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب ارائه شود.

۳. چهارچوب نظری

۳-۱. مفاهیم

۳-۱-۱. سیاست خارجی

در علوم انسانی تعریف یک پدیده به دلیل شگرف بودن و پیچیدگی‌های کلامی و رفتاری کمی دشوار به نظر می‌رسد که کلان امر سیاست خارجی نیز از این نگرش مصون نیست، اما در تحلیل تعاریف گوناگون این امر می‌توان مطرح کرد که برخی بر این باورند که سیاست خارجی مهم‌ترین وجه زندگی اجتماعی-سیاسی ملت‌ها و کشورها به‌شمار می‌رود، چون بقا و حیات آن‌ها به سیاست خارجی بستگی دارد. از این رو، تلاش برای درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی کشورها یکی از دل‌مشغولی‌های فکری و ذهنی محافل علمی و دانشگاهی

است، به گونه‌ای که حوزه مطالعاتی تحلیل سیاست خارجی برای پاسخگویی به این کنجکاوی و دل‌نگرانی تأسیس شده و توسعه یافته است (Dehghani Firouzabadi, 2016:10). برخی دیگر، از نگرشی متفاوت استفاده می‌کنند و معتقدند در حالی که روابط بین‌الملل شامل روابط بین حکومت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و حتی افراد کشورهای مختلف است، سیاست خارجی تنها آن دسته از روابط را دربر می‌گیرد که حکومت‌ها متصدی آن باشند. سیاست خارجی دولت‌ها خود حاصل فعل و انفعالات جامعه داخلی است، اما شبکه‌ای از ارتباطات به هم‌فشرده را نیز در سطح جهان به وجود می‌آورد که باعث همبستگی یا روابطی غیر از آنچه دولت‌ها درگیر آن هستند، می‌شود (Safavi Hamami, 2008:19). ما در این پژوهش معتقدیم که سیاست خارجی دنباله سیاست داخلی است و مطالعه سیاست خارجی به مثابه پلی است میان شناخت نظام بین‌الملل و نظام داخل. به عبارتی دیگر، سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی با یک سلسله اعمال که تصمیم‌گیران حکومتی از پیش طراحی و تعیین کرده‌اند که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است.

۳-۱-۲. برداشت‌های ذهنی رهبران و نخبگان تصمیم‌گیرنده

یکی از مهم‌ترین عوامل داخلی تأثیرگذار در سیاست خارجی دولت‌ها در نظام بین‌الملل، نقش و تأثیر برداشت‌های ذهنی و ادراک رهبران و نخبگان تصمیم‌گیرنده در قالب باورها و فرایندهای شناختی آن‌هاست. (Jervis, 2006:641). مفهوم فرایندهای شناختی به‌عنوان عامل علی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک یاد می‌شود و بیانگر این است که با شناسایی این فرایندهای شناختی می‌توان به پیش‌بینی رفتار و واکنش‌های تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی در مواقع گوناگون در صحنه نظام بین‌الملل پرداخت (Shapiro, 1973: 154). در نتیجه، باورها و فرایندهای شناختی نخبگان تصمیم‌گیرنده به همراه درکی که آن‌ها از نقش خود و دیگری در نظام بین‌الملل به‌عنوان دوست، رقیب یا دشمن دارند، در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت‌ها بسیار مهم و تأثیرگذار است.

۴. نظریه تصمیم‌گیری شناختی

ادراک و سوءادراک رهبران سیاسی و تصمیم‌گیران از جمله موضوعات مهمی است که همواره مورد توجه اندیشمندان در حوزه روان‌شناسی سیاسی بوده است. فرایندی که به‌ویژه در حکومت‌های فردمحور که افراد نقش اصلی را در تصمیم‌گیری و راهبری سیاسی کشورها دارند، بیشتر

خودنمایی می‌کند. طرفداران نظریه تصمیم‌گیری شناختی جزو کسانی هستند که وزن اصلی رفتار انسان را به نظام باورهای ذهنی او اختصاص می‌دهند. از این‌رو، از منظر آنها مهم‌ترین اصل در بررسی نظام تصمیم‌گیری کشورها، نظام باورهای ذهنی تصمیم‌گیران و به تبع آن عنصر ادراک است. آنها برخلاف نظریه پردازان عقلایی معتقدند ذهن تصمیم‌گیرنده هرگز نمی‌تواند به‌عنوان یک داور بی‌طرف، تنها محاسبه‌گر باشد، بلکه خرد و محاسبه‌گری او به‌شدت تحت تأثیر نظام باورها و ادراکات او عمل می‌کند. از دیدگاه آنان، تلقی تصمیم‌گیرنده از جهان، بسیار مهم‌تر از واقعیت خود جهان است. تصمیم‌گیری سیاست خارجی نتیجه بازتاب عینیات بر ذهن تصمیم‌گیرنده است و درنهایت این ذهن جهت‌دار و ارزش‌محور تصمیم‌گیرنده است که واقعیت بیرونی را تفسیر می‌کند و دست به تصمیم می‌زند (Mousavi Nia, 2014:41). در واکنش به نظریه عقلایی، اولین بار هارولد و مارگارت^۱ میان دو محیط عملیاتی و محیط روان‌شناختی تصمیم‌گیرنده در تصمیم‌گیری، تمایز قائل شدند و موفقیت سیاست خارجی را منوط به هماهنگی این دو محیط با یکدیگر دانستند (Doherty & Faltzgraf, 1993:721). مایکل برچر با استفاده از نظریه هارولد و مارگارت جایگاه محیط روان‌شناختی را نسبت به محیط عملیاتی تبیین کرد. به اعتقاد او محیط عملیاتی در نتایج تصمیمات تأثیر دارد، اما این تأثیرگذاری تنها با گذشتن از صافی تصورات تصمیم‌گیرنده است که انتخاب میان گزینه‌های مختلف را ممکن می‌کند (Doherty & Faltzgraf, 1993:728).

برچر با برشمردن عوامل داخلی و خارجی مؤثر در تصمیم‌گیری معتقد است این مؤلفه‌ها مستقیماً در تدوین سیاست خارجی اثرگذار نیستند، بلکه ابتدا از محیط روان‌شناختی و ذهنی تصمیم‌گیرنده عبور می‌کنند و در اینجاست که هر مؤلفه‌ای نوع اثرگذاری خود را از ذهن جهت‌دار تصمیم‌گیرنده می‌گیرد بنابراین رد پای ارزش‌های ذهنی و باورهای فرد در یک تصمیم بیشتر از مؤلفه‌های عینی است.

رابرت جرویس با پرداختن به موضوع ادراک و سوءادراک معتقد است این فرایند می‌تواند نقشی بسیار تعیین‌کننده در سیاست خارجی کشورها داشته باشد. او با ارائه دلایل و نمونه‌های مستند تاریخی، به‌خصوص اشاره به برخی رویدادهای مهم از تاریخ اروپا در قرن نوزدهم و بیستم توضیح می‌دهد که چگونه و به چه نحوی تصمیمات از جمله تصمیمات اشتباه

1. Harold and Margaret

در سیاست بین‌الملل می‌توانند به معنای واقعی کلمه مرگ یا زندگی را برای کشورها به همراه داشته باشند. وی این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که «سوء ادراک‌های رهبران دلیل اصلی هر دو جنگ جهانی بود» (Chris Field, 2020:1).

رابرت جرویس در میان نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری، بیش از هر چیزی بر محدودیت‌های ناشی از عوارض روان‌شناختی تأکید می‌کند. به عقیده جرویس، خرد تصمیم‌گیرنده، اسیر و تحت تأثیر سوء ادراک حاصل از باورهای روان‌شناختی اوست. تصمیم‌گیری در محیط بین‌المللی بر مبنای چرخه‌ای از استنباط بازیگران از یکدیگر است. بازیگران بین‌المللی در تلاش هستند تا ادراک و تصور دیگران را نسبت به خود شکل دهند، از این‌رو، با ارسال علامت‌هایی از سمت خود در صددند تا دیگران را وارد حدسی مهندسی شده کنند تا از این طریق رفتار دیگران را در یک فضای ذهنی شکل دهند و آن را پیش‌بینی کنند (Jervis, 2002:60). وی معتقد است که باید بین دو محیط روانی و عملیاتی تمایز قائل شویم. محیط روانی، جهانی است که سیاست‌مدار و کنشگر آن را می‌بیند و محیط عملیاتی، جهانی است که سیاست‌ها در آن اجرا می‌شوند. تصمیم‌ها و سیاست‌های سیاست‌مداران متأثر از اهداف، محاسبات و برداشت‌هایی است که آن‌ها دارند (Jer-vis, 1976:13). به این ترتیب، نظام سیاسی کشورها در هر شکلی که باشد، نخبگان و همچنین گفتمان‌هایی که در رأس قدرت هستند، با توجه به ادراک و ساخت‌های ذهنی که برای خود تعریف می‌کنند، سیاست خارجی را شکل می‌دهند بنابراین اولین گام در تحلیل سیاست خارجی، فهم پایه‌های ذهنی این افراد است (Mahmoudi Raja and Siaposhi, 2017: 191).

رابرت جرویس با استفاده از روان‌شناسی شناختی فاکتورهای اصلی موثر در ادراک و سوء ادراک را شامل باور، تصویر و نیت می‌داند. در واقع ادراک به‌عنوان مبنای فهم و یادگیری و انگیزه‌ای برای کنش و عکس‌العمل، فرایندی است که براساس آن سه فاکتور مهم یادشده را در بین بازیگران و رهبران سیاسی ایجاد می‌کند. نبود روابط و اطلاعات کافی و مستند رهبران درباره سایر کشورها که معمولاً در قالب اطلاعات طبقه‌بندی شده به آن‌ها ارائه می‌شود ممکن است آن‌ها را از راستی‌آزمایی و اعتبارسنجی بی‌نیاز کند و باعث شود که آن‌ها ناآگاهانه به سمت درگیری و جنگ هدایت شوند که طبق نظر جرویس این جنگ و درگیری نتیجه ادراک اشتباه حاصل از اطلاعات و سیگنال‌های غلط است (Jervis, 2002:60).

جرویس برای فهم رفتار بازیگران بین‌المللی، شناخت روان‌شناسی سیاسی را حائز اهمیتی

اساسی می‌داند و پنج محور برای آن مشخص می‌کند:

۱. برای فهم رفتار انسان باید بفهمیم او چگونه فکر می‌کند و چگونه محیط خود را تفسیر می‌کند.

۲. برای مطالعه نظام تصمیم‌گیری یک کشور باید نظام فکری تصمیم‌گیران و باورهای ارزشی آن را مطالعه کرد.

۳. رفتار انسان ناشی از ادراکات و شخصیت انسان است. افراد واقعیات بیرونی را منطبق با تخیلات خود تفسیر و تلاش می‌کنند تصورات و درک خود را بر واقعیات بیرونی استوار کنند.

۴. افراد دارای احساساتی جدی مانند عشق و عصبانیت نیز هستند که از آن گریزی ندارند.

۵. باید روی تعهد کورکورانه به تحقیقات علمی - تجربی خط بطلان کشید (Mousavi, 2014:42).

جرویس برای توضیح اهمیت روان‌شناسی سیاسی به سیاست بین‌الملل در طول جنگ سرد می‌پردازد. به اعتقاد او، دغدغه امنیت‌یابی در این دوره و عامل اصلی ایجاد معمای امنیت دو مولفه روانی ترس و بی‌اعتمادی میان کشورها بوده است. ترس و بی‌اعتمادی با دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی، کشورها را از تعامل در یک فضای منطقی بازمی‌دارد. او سه متغیر مستقل تاثیرگذار در تصمیم‌گیری سیاست خارجی را در سه سطح برمی‌شمارد سپس سطح چهارم پیشنهادی خود را که مبتنی بر روان‌شناسی سیاسی است، برای تکمیل این سه سطح ارائه می‌کند:

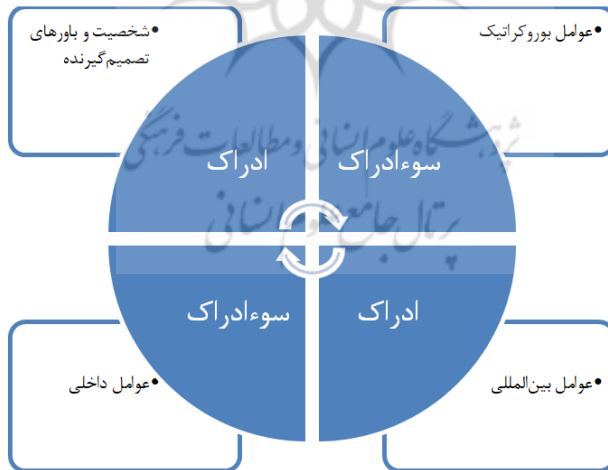
سطح بروکراتیک: شامل قواعد سازمان‌ها و نهادهای دخیل در تصمیم‌گیری سیاست خارجی

سطح سیاست داخلی: شامل عوامل تاثیرگذار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

سطح نظام بین‌الملل: شامل موقعیت کشور در ساختار نظام بین‌الملل و محدودیت‌ها و فشارهای بین‌المللی بر کشور.

به اعتقاد جرویس، این سه سطح برای تکمیل خود به سطح چهارمی نیاز دارند که شامل عقاید، ارزش‌های ذهنی و مقاصد شخصی تصمیم‌گیرنده است. نظام باورهای شخصی تصمیم‌گیران یک متغیر مداخله‌گر بسیار مهم در فرایند تصمیم‌گیری محسوب می‌شود.

تصمیم‌گیرنده به‌صورتی ناخودآگاه اطلاعات دریافتی را در ذهن خود پالایش می‌کند. او مایل است آنچه را توقع دارد، ببیند و بشنود و اخباری را دریافت کند که پیش‌فرض‌ها و نظام فکری او را تایید می‌کند، از این‌رو، تصمیم‌گیرنده در برابر اطلاعات دریافتی به دوروش معمول و غیر معمول اطلاعات را پالایش و فیلترینگ می‌کند. تصمیم‌گیرنده در روش معمول اطلاعاتی را مورد توجه قرار می‌دهد که منطبق با ادراک و دیدگاه نظری او نسبت به محیط اطرافش است. هر فردی محیط پیرامونی خود را براساس نظریه یا نظریاتی تحلیل می‌کند و بدیهی است اطلاعاتی که تاییدکننده آن نظریات باشد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند، اما فیلترینگ در روش غیر معمول بسیار تهدیدگر است و باعث کج‌فهمی یا سوءادراک در موضوع می‌شود. در این روش تصمیم‌گیرنده اصرار به ادامه وضع موجود دارد و از توجه به هر اطلاعاتی که ثبات نسبی وضع موجود را متزلزل کند، پرهیز می‌کند. در واقع او به‌گونه‌ای تصمیم‌گیری می‌کند که به هر نحوی وضع قبلی ادامه پیدا کند و تا جایی که ممکن است دست به اصلاحات نزند. رابرت جرویس در پایان با قرار دادن پوشش‌های روانی در مقابل خردگرایی، تعیینات روانی را منجر به کج‌فهمی و دوری نظام تصمیم‌گیری از خردگرایی معرفی می‌کند و معتقد است برای به حداقل رساندن تاثیر نظام شناختی و آسیب‌های ناشی از آن بر نظام تصمیم‌گیری باید چاره‌ای اندیشید (Mousavi Nia, 2014: 44).



نمودار ۱. مدل تصمیم‌گیری شناختی رابرت جرویس (منبع: برداشت نگارندگان در قالب مدل مفهومی از نظریه رابرت جرویس)

به نظر می‌رسد با توجه به یافته‌های پژوهش، یکی از چالش‌های ادراک نظام شناختی در مذاکرات ایران و غرب مفاهیمی همچون درک رویدادهای جامعه بین‌الملل و تطابق آن با واقعیت‌های عرصه بین‌الملل است، از این رو، با مطالعه این نظریه توانستیم ارتباط معناداری میان این امر و یافته‌های پژوهش بیابیم و آن را به‌عنوان چهارچوب نظری انتخاب کنیم.

روحانی در پرتو تحول‌خواهی در عرصه سیاست خارجی

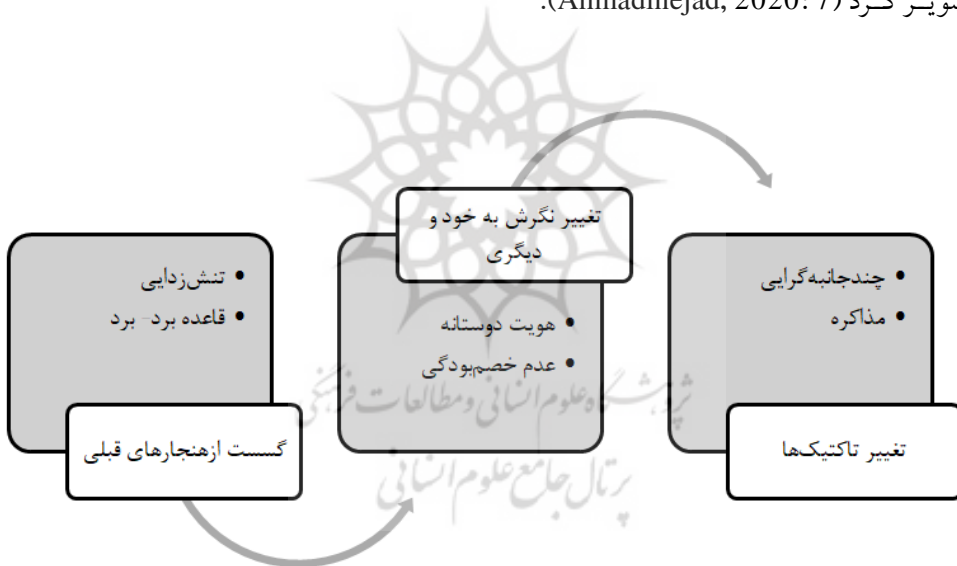
مفهوم مدیریت تحول‌گرا ریشه در کارهای جیمز برنز^۲ دارد. از دید برنز، وظیفه اولیه مدیر کمک در جهت حل تعارض‌هاست و بر همین اساس، مدیران تحول‌گرا را رهبرانی می‌داند که به دنبال مدیریت تعارض‌اند. برای این مدیریت، او ابتدا تعارض را شناسایی، تبیین و سپس آن را تعدیل می‌کند بنابراین برنز رهبر تحول‌گرا را دارای قدرت برای تغییر سیستم‌ها و اصلاح نهادها می‌داند (Ozgoli, 2005: 69). چهار عنصر این سبک مدیریت عبارت‌اند از: نفوذ آرمانی به معنی کسب اعتماد زیردستان، ترغیب ذهنی به معنای نگاه به مسائل قدیمی از دریچه راه‌های جدید و تأکید بر راه‌حل‌های منطقی، ملاحظات فردی به معنی ارتباط و توجه به همه افراد سازمان و تحریک آن‌ها از طریق واگذاری مسئولیت و در نهایت عنصر چهارم یعنی انگیزش الهام‌بخش به معنای تصویر آینده مطلوب و نحوه رسیدن به آن از سوی رهبر. به‌طور خلاصه، همه این نوع سبک رهبری را همان‌طور که از نام آن پیداست، می‌توان در ایجاد تحول و تغییر به سمت ارتقای سازمانی، بهبود و تأمین اهداف، نوآوری و برآوردن انتظارات دانست (Ahmadinejad, 2020: 6).

در راستای این ویژگی‌ها باید گفت هنجارها، روش و طرز تلقی روحانی که در مواردی مانند جایگزینی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، تغییر ادراک و ظهور ادبیات جدید در عرصه سیاسی نمایان شد، نشان‌دهنده فصل جدیدی در سیاست خارجی او ذیل مفهوم تحول بود. به‌واقع، روحانی به دنبال درانداختن طرحی متحول و نو در سیاست خارجی و به‌روز کردن آن با توجه به شرایط و مقتضیات بین‌المللی بود. در همین ارتباط، وی معتقد به تجدیدنظر در سیاست خارجی به معنای تغییر و تحول در شیوه‌ها، نحوه عملکرد و تاکتیک‌ها بود. سبک تحول‌گرایانه روحانی برای اصلاح سیاست خارجی در سه موضوع مرتبط به هم آغاز شد؛ اول بازسازی اقتصادی که براساس آن توانمندی اقتصادی و حل معضل تحریم‌ها جزء جدایی‌ناپذیر قدرت ملی بود، دوم حل مسئله هسته‌ای و در آخر پایان دادن به انزوای

2. James Burns

بین المللی ایران (Akbarzadeh and Conduit, 2016: 4). این سبک رهبری در ابتدا و پیش از هرچیزی بر پایه بازنمایی غرب به عنوان دیگری ایران، که می‌توان با آن تعامل و نه حتماً تقابل یا مماشت داشت، به وجود آمد (Heydari, 2015: 98).

پشتوانه این تعامل به وسیله خطوطی تامین شد که روحانی با همتایان غربی خود در طی ریاست در مرکز تحقیقات استراتژیک برقرار کرده بود. البته باید متذکر شد که در قوام یافتن این سبک رهبری تعاملی تحول‌گرایانه، تاکید رهبری بر همکاری و دیپلماسی به عنوان وسیله‌ای برای پیشینه‌سازی منافع ملی بسیار حائز اهمیت بود، زیرا در این دوره، علاوه بر رئیس‌جمهور، رهبری معتقد به زمان اعمال نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی ایران بود و این گرایش به سمت و سوی تحول در رهبری مذاکرات، از سیاست خارجی جلوه‌ای آسان‌تر تصویر کرد (Ahmadinejad, 2020: 7).



نمودار ۲ روحانی و الگوی تصمیم‌گیری هسته‌ای برآمده از سبک رهبری (منبع: نگارنده مسئول مقاله)

کاربست روان‌شناسی شناخت روحانی در تصمیم‌گیری‌های مسئله هسته‌ای

۱- ادراک و ارزیابی واقعیت‌ها

بر اساس این اصل، مردم از نظر چگونگی درک یا تعبیر و تفسیر یک رویداد با یکدیگر

تفاوت دارند. در نتیجه این تعبیر و تفسیر متفاوت، افراد نتایج کاملاً متفاوتی را می‌سازند و رقم می‌زنند (Bowen, 2016: 125). این بدان معناست که روحانی موضوع هسته‌ای را مسئله‌ای در کنار دیگر منافع کشور می‌دانست نه موضوعی بر فراز منافع و موضوعات دیگر (Rezaei & Torabi, 2013: 149) بنابراین روحانی اگرچه همچون سایر ایرانیان از حامیان برنامه هسته‌ای مترادف با حق حاکمیت و غرور ملی بود؛ اولویت اصلی را به بقا جمهوری اسلامی داد.

۲. اصل تجربه

این اصل بیان می‌کند که اگر ادراک ما پیش‌بینی معتبری برای پیامد موقعیت نباشد، در این صورت باید جایگزین یا اصلاح شود. در واقع این اصل بدان معناست که وقتی محیط ما تغییر می‌کند، ادراک و برداشت خود را ارزیابی و از نو تعبیر کنیم. در انطباق این ویژگی با تصمیم‌گیری روحانی می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تغییر در سیاست خارجی دولت اعتدال، انتخاب از میان گزینه‌های موجود در قیاس با انتخاب‌های دولت قبل از میان «همین گزینه‌های موجود» بود (Rasouli Saniabadi, 2015: 103).

۳. سازگاری و نوسان

سازگار شدن با تجربه‌های جدید، به دو صورت نفوذپذیر و نفوذناپذیر است. در خصوص نفوذپذیری روحانی به معنای تعدیل ایدئولوژی، اگرچه او نیز همانند سلف خود در سیاست خارجی، نظم بین‌الملل را ناعادلانه می‌دانست و به آن انتقاد داشت؛ با احاطه به این امر که قدرت ساختاری نظام بین‌الملل به رهبری غرب طی چندین دهه اجازه تنوع گزینه‌های رفتاری را به ایران نداده، در نتیجه راه مصاف با این قدرت ساختاری را تعامل و اقیاع جامعه بین‌المللی می‌دانست (Touhidi and Shariati Nia, 2013: 149).

۴. اصل جامعه‌جویی روابط متقابل (ادراک از طرف مقابل)

این اصل که از آن به عنوان «اصل روابط متقابل» نیز یاد می‌کنند، به این معناست که افراد سازه‌های شخصی طرف مقابل خود را تعبیر می‌کنند، به عبارتی افراد براساس فهم خود از رفتار و کنش افراد دیگر عمل می‌کنند. ذیل این اصل، روحانی برپایه تفسیر و فهم متقابل به دلیل اشتراک هنجاری که با طرف‌های مقابل در چالش هسته‌ای داشت، دو سطح داخلی و خارجی را در بالاترین سطح همبستگی دید بنابراین این دو سطح حداکثر هم‌پوشانی را با هم داشتند (Ahmadinejad, 2019: 10).

بازیگران تاثیرگذار خارجی و داخلی در رفتار نظام شناختی روحانی

نقش عوامل محیطی و بیرونی در قالب مقهورات و محذورات محیطی بر شکل‌گیری سیاست خارجی و روند تصمیم‌گیری نیز بسیار مهم است (Atai & Rasouli Sani Abadi, 2010:1) که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱. بازیگران خارجی

۱-۱. تحریم یک‌جانبه و چندجانبه

تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران یکی از ابزارهای دیپلماسی اجبار ایالات متحده آمریکا برای متقاعد کردن و محدود کردن توان راهبردی جمهوری اسلامی ایران بود (Berman, 2012:42). برجسته‌ترین این تحریم‌ها شامل توقیف اموال و دارایی‌های افراد و سازمان‌های ایرانی در خارج از کشور، تحریم‌های تجاری، صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری، موارد مربوط به انرژی، تحریم‌های مالی و دارایی افراد و سازمان‌های ایرانی و تحریم‌های بین‌المللی است. آثار این تحریم‌ها در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نه فقط سبب فشار بر سیستم مالی کشور، بلکه موجب کاهش سرمایه‌گذاری، کندی رشد و افزایش تورم شد. فشار عوامل محیطی که در تحریم‌های گسترده خارجی نمایان شد، باعث شد دولت یازدهم تلاش برای لغو تحریم‌ها را در اولویت قرار دهد (Abedini & Izadi, 2016: 281).

۱-۲. نهادهای بین‌المللی

واکنش کشورها یا نهادهای بین‌المللی، که بازیگران اصلی پرونده هسته‌ای بودند، در برابر پیروزی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری با استقبال همراه بود. ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، چین و روسیه، که اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند و آلمان که از بدو جنجال بر سر فعالیت‌های هسته‌ای ایران یکی از کشورهای طرف مذاکره قلمداد می‌شد، در این گروه جای می‌گیرند. این کشورها مدعی بودند با توجه به سیاست‌های اعلامی روحانی برای ازسرگیری مذاکرات، ایجاد محدودیت، شفاف‌سازی و رفع نگرانی‌ها در حوزه هسته‌ای، دستیابی ایران به بمب اتم را به تأخیر خواهد انداخت (Agence France-Press, 2013).

۱-۳. خروج یک جانبه آمریکا از برجام

رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، در ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۹۷ رسماً اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران خارج خواهد شد و تحریم‌های تعلیق‌شده علیه ایران را باز خواهد گرداند. ترامپ در سخنرانی خود مطرح کرد که در سال ۲۰۱۵، دولت قبلی آمریکا به ملت‌های دیگر پیوست تا به توافقی در مورد برنامه هسته‌ای ایران دست پیدا کند که این توافق به برجام معروف شد. او مطرح کرد در تئوری، توافق برجام قرار بود آمریکا و متحدانش را از جنون بمب اتمی ایران حفظ کند، اما این توافق به ایران اجازه داد غنی‌سازی اورانیوم را دنبال کند و به‌مرور زمان به سر حد ساخت بمب اتمی برسد. طبیعتاً این اقدام از جانب رئیس جمهور آمریکا، آثار و پیامدهایی به دنبال داشت و به‌نوعی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست جمهوری روحانی مؤثر واقع شد.

۲. بازیگران داخلی

۲-۱. رهبری

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، لغو تحریم‌ها را نخستین مؤلفه‌ای دانستند که موجب شد ایران وارد مذاکره شود. ایشان فرمودند: اگر قرار است چهارچوب تحریم‌ها حفظ شود پس ما برای چه مذاکره کردیم؟ تلاش برای بستن پرونده هسته‌ای علی‌رغم خواست دشمن (۱۳۹۲/۴/۵)، عبور هنرمندانه از موانعی که دشمن بر سر راه پیشرفت کشور ایجاد کرده است (۱۳۹۲/۵/۳۰)، تبدیل روابط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران به روابط متعارف (۱۳۹۳/۱/۲۰)، مقابله با فضاسازی و دروغ‌پردازی دشمن در افکار عمومی علیه ایران (۱۳۹۳/۱/۲۰) و به‌دست گرفتن ابتکار عمل در سیاست خارجی (۱۳۹۳/۲/۲۱) هم از دیگر دلایلی است که رهبر انقلاب برای چرایی مذاکرات بیان داشتند (Office for Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei, 2014).

۲-۲. رئیس جمهور

روحانی در نقش رئیس جمهور طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور بود بنابراین برنامه‌ها، سیاست‌ها و تصمیمات او، نقشی اساسی در دیپلماسی هسته‌ای داشت. تصمیم‌گیران صرف نظر از شخصیت روانی و ویژگی‌های فردی، تحت تأثیر هنجارهای

حقوقی ناشی از پست‌ها و مسئولیت‌هایی که متصدی آن هستند هم‌قرار دارند. رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه، در هر دوره‌ای ملزم هستند که اصول حاکم بر سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران را در قالب دیپلماسی جدید هسته‌ای رعایت کنند. روحانی نیز به‌عنوان رئیس‌جمهور از این امر مستثنی نبود و در انتخاب گزینه‌ها و به‌کار گرفتن سیاست‌ها و شیوه‌های اجرایی - برای نمونه مسئله هسته‌ای - آزادی عمل نامحدود نداشت و باید در چهارچوب برخاسته از نقش خود حرکت می‌کرد. نحوه سیاست‌گذاری هسته‌ای هر یک از مسئولان گرچه تابعی از شخصیت، تجربه سیاسی و اجتماعی و استعداد افراد است؛ ضرورت‌های شغلی و مسئولیتی از قبیل اقتضانات جایگاه رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه موجب تعدیل سیاست‌ها می‌شود (Abedini & Izadi, 2016: 279).

۲-۳. ساختار حکومتی

جمهوری اسلامی ایران که نظامی نیمه‌پارلمانی - نیمه‌ریاستی است، ساختار ویژه و بعضاً منحصربه‌فردی در مقایسه با سایر کشورها دارد. نقش مردم از طریق انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی زمینه را برای تصحیح کم و بیش فرایند مذاکرات هسته‌ای فراهم می‌کند. افزون‌براین، شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نهادهایی تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری هسته‌ای هستند (Dehghani Firouzabadi, 2010:25).

۳. متغیرهای دولتی یا بوروکراتیک

آغاز فعالیت دولت یازدهم در مرداد ۱۳۹۲، با ترکیبی از مدیران و مسئولان باتجربه و برگزیدن سیاست‌های تعامل‌جویانه با همه ارکان نظام همراه بود. روحانی پیشتر در نخستین مصاحبه مطبوعاتی خویش بر تشکیل دولت شایسته‌سالار تأکید کرده بود، بر همین اساس، اولین گام برای ایجاد هماهنگی کامل میان تمامی دستگاه‌های متولی برای جلوگیری از بی‌ثباتی در امر تصمیم‌گیری مسئله هسته‌ای، جایگزینی وزارت امور خارجه به‌جای شورای عالی امنیت ملی بود. توجه به سلسه‌مراتب تصمیم‌گیری در دولت، افزایش اختیارات رئیس‌جمهور در حوزه تصمیم‌گیری سیاست‌های هسته‌ای، پذیرش مسئولیت در روند تصمیم‌گیری، توجه به ثبات در جایگاه‌های تصمیم‌گیرنده و برگزیدن رویکرد اعتدال و تعامل در بدنه دولت با سایر دستگاه‌های کشور، از مهم‌ترین اقدامات دولت جدید بود که به‌سرعت فضای سیاسی کشور را به‌سوی آرامش و تعامل با جهان پیش برد. مهم‌ترین وجه تأثیرگذاری متغیر بوروکراتیک در توافق هسته‌ای را باید در نقش قانونی وزارت امور خارجه با اختیارات و حمایت کافی، تلاش دستگاه‌های دولتی

برای ایجاد آرامش روانی در جامعه و همسوسازی جریان‌های سیاسی و ارکان تصمیم‌گیری نظام با اهداف و برنامه‌های دولت، جستجو کرد؛ پدیده‌ای منحصر به این دوره که در دوره‌های پیشین با چنین قوتی مشاهده نشده بود (Bagheri Dolatabadi & Mardanlou, 2014: 39).

تصمیم‌گیری روحانی در کشاکش خروج آمریکا از برجام

راهبردی که دولت روحانی در قبال خروج آمریکا از برجام اتخاذ کرد، راهبردی محافظه‌کارانه بود، زیرا تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، به‌خصوص حسن روحانی، درصدد تغییرات بنیادی و اساسی در تصمیم‌های قبلی نبودند، زیرا تصور، ادراک و برداشت آن‌ها این بود که دگرگونی عمده در سیاست‌گذاری‌ها ممکن است مشکلات گوناگون و غیرقابل‌کنترلی در ایجاد سازش و توافق میان سیستم سیاسی و محیط آن از لحاظ تبدیل نهاده‌ها (خواسته‌ها و منافع) به داده‌ها (تصمیمات) به‌وجود آورد و به‌نوعی این رویکرد با بهره‌گیری آزاد از نظریه مدل تصمیم‌گیری فزاینده نیز قابل‌تبیین است که از قضا با چهارچوب نظری ما نیز به‌نوعی هم‌پوشانی دارد، زیرا در مدل تصمیم‌گیری فزاینده نیز فرد تصمیم‌گیرنده تحت تأثیر ادراک و برداشت خود از واقعیت موجود، به‌صورت پله‌پله و نه یک‌باره تصمیم‌گیری می‌کند. در واقع به‌نوعی می‌توان گفت که خروج یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا از برجام، سبب شد حسن روحانی نه به یک‌باره، بلکه به‌شکل تدریجی از تعامل به سمت تقابل برود. از سوی دیگر، با توجه به واکنش طرف‌های باقی‌مانده برنامه اقدام مشترک و ابراز تأسف و انتقاد از اقدام غیرمسئولانه و خلاف دیپلماسی بین‌المللی ترامپ، حمایت خود را از حفظ برجام اعلام کردند. در این راستا، ایران و دولت حسن روحانی براساس مبنایی رویکرد چندجانبه‌گرایی تلاش کردند با گسترش روابط عمیق‌تر با اروپا، چین و روسیه، به‌عنوان قدرت‌های نوظهور، تأثیرات خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و تحریم‌های مجدد را خنثی کنند (Bayat, 2022: 40).

بزنگاه روحانی و دوران پسابرجام

در این خصوص، موارد گوناگونی را می‌توان ذکر کرد: نخست اینکه دولت اروپا را در اولویت قرار دارد، به‌طوری‌که می‌توان گفت روابط دوجانبه ایران و اروپا همواره تحت تأثیر سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و بحران پرونده هسته‌ای ایران بوده است و اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگر بین‌المللی، همواره تلاش کرده مهم‌ترین مانع گسترش روابط با ایران یعنی پرونده هسته‌ای را رفع کند و نقش موثری در ایجاد توافق بین ایران و سایر بازیگران به‌خصوص آمریکا ایفا کند.

درنهایت، پس از چندین سال مذاکره و نقش آفرینی اتحادیه اروپا در حل پرونده هسته‌ای، این مانع اصلی در روابط دوجانبه برداشته شد و با توجه به رویکرد چندجانبه و نگاه به غرب دولت حسن روحانی، پیوند و گسترش روابط دوجانبه گسترش بیشتری یافت. لغو تحریم‌های مرتبط با بحث هسته‌ای تحت تأثیر برجام نیز تأثیر مثبتی در روابط تجاری و اقتصادی اتحادیه اروپا با ایران داشت (Bayat, 2022: 41). پس از خروج آمریکا از برجام، اتحادیه اروپا نیز سعی در ایجاد اقدامات و سازکارهایی داشت که از طریق آن‌ها تحریم‌های آمریکا را دور بزند. در سال ۲۰۱۷، اتحادیه اروپا پس از چین، بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بوده است.

دوم اینکه اروپا بر آن بود تا از طریق اس‌پی‌وی و اینستکس ایران را به پایبندی به الزامات و تعهدات پیش‌بینی شده در توافق هسته‌ای به‌رغم خروج آمریکا از برجام، متقاعد کند. سیستم اس‌پی‌وی، که یک سیستم پرداخت بود، به کسب و کارها و شرکت‌های اروپایی این اجازه و امکان را می‌داد که بدون تحریم شدن توسط آمریکا به روابط اقتصادی خود با ایران ادامه دهند. این مکانیسم به شرکت‌ها این امکان را می‌داد که برای تبادل مالی با ایران نیازی به سیستم سوئیفت نداشته باشند. طبق سازکار پیشنهادی اروپا، شرکت‌هایی که از ایران نفت می‌خریدند، به‌جای پرداخت وجه به ایران، آن را مستقیماً با واسطه به شرکتی که کالا به ایران می‌فروشد، پرداخت خواهند کرد و وجهی به ایران نخواهد رفت و همچنین مبادلات در این مکانیسم بر حسب یورو خواهد بود و دلار از این مبادلات کنار گذاشته خواهد شد (Mirzaei Keshei Farahani, 2021: 15).

درخصوص سومین مورد باید گفت که ایران هم به موازات گسترش روابط دوجانبه با کشورهای قدرتمند نوظهور تلاش کرد جایگاه خود را در سازمان‌های بین‌المللی، به‌خصوص سازمان‌های منطقه‌ای که به‌دور از نفوذ آمریکا هستند، ارتقا دهد و پیوند عمیقی ایجاد کند که این امر خود منجر به چندجانبه‌گرایی و تعمیق روابط با کشورهای عضو این سازمان‌ها شد. براین اساس، در راستای قرارداد بلندمدت استراتژیک ۲۵ ساله با چین، در گام بعدی ایران پس از حل و فصل اختلافات با تاجیکستان و موافقت چین به عضویت دائم سازمان همکاری‌های بین‌المللی شانگهای درآمد. عضویت ایران علاوه بر کسب منافع اقتصادی، به دلیل موقعیت جغرافیایی موثر خود، نقش مهمی در اتصال شرق و غرب طی برنامه بلندپروازانه ابتکار کمربند و جاده چین بازی می‌کند که با امضای قرارداد راهبردی ۲۵ ساله محتمل‌تر شده و بیشتر به دنبال کسب منافع سیاسی است، زیرا با عضویت ایران در این سازمان، غرب نیز سیاست معتدل‌تری نسبت به ایران در پیش خواهد گرفت تا از افتادن کامل این کشور به دامان چین

و روسیه جلوگیری کند (Mirzaei Keshei Farahani Rezaei Panah, 2020: 14). از منظر کارشناسان بین‌المللی، به واسطه گذار نظام بین‌الملل از نظام تک‌قطبی به نظام چندقطبی، می‌توان روسیه را در کنار چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور متصور بود. روابط آمریکا با فدراسیون روسیه تابعی است از ملاحظات گسترده بین‌المللی که در تاریخ روابط خارجی این دو کشور ریشه دوانیده است. روابط دوجانبه ایران و روسیه در بستر تاریخ همواره دارای فراز و فرودهای فراوانی بوده و بیشتر تحت تأثیر نظام بین‌الملل و رقابت سنتی آمریکا و روسیه قرار داشته است. روابط ایران و روسیه را باید از منظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی مورد توجه قرار داد. در بعد اقتصادی روابط ایران و روسیه همواره تحت تأثیر نظام بین‌الملل به‌خصوص ایالات متحده آمریکا بوده است و هم ایران و هم روسیه همواره در انتظار ایجاد شرایط و زمینه‌های مناسب همکاری بوده‌اند و بخشی از توسعه‌نیافتگی روابط اقتصادی ایران و روسیه در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی بوده است (Biswas and Chakraborty, 2019: 180).

اقدام اساسی دولت روحانی بر مبنای روان‌شناسی شناخت روحانی

۱. توقف فروش ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ذخایر آب سنگین

دولت جمهوری اسلامی ایران در اولین گام برای کاهش تعهدات برجامی خود، در نامه‌ای خطاب به کشورهای عضو برجام اعلام کرد که رعایت داوطلبانه محدودیت‌های قبلی در نگهداری از ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ذخایر آب سنگین را متوقف خواهد کرد و به کشورهای مزبور ۶۰ روز زمان داد تا تعهدات خود به‌ویژه در حوزه‌های بانکی و نفتی را عملیاتی کنند. در غیر این صورت، ایران مرحله به مرحله اجرای اقدامات داوطلبانه بیشتری را در چهارچوب برجام و به استناد بندهای ۲۶ و ۳۶ آن متوقف خواهد کرد و اولین گام ایران در جهت کاهش تعهدات، عبور از سقف ۳۰۰ کیلوگرمی ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۳.۶۷ درصد و نفروختن آب سنگین و مازاد اورانیوم غنی‌شده بود (Tasnim news agency, 2020).

۲. عبور از غنی‌سازی ۳.۶۷

پس از گذشت ۶۰ روز از اولین گام کاهش‌ی ایران در عمل به تعهدات خود در برجام، علی‌ریعی، سخنگوی وقت دولت، در ۱۶ تیر ۱۳۹۸ در یک نشست خبری با حضور عباس عراقچی عضو تیم مذاکره‌کننده و بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی، از اجرای گام دوم

کاهش تعهدات برجامی ایران خبر داد و اعلام کرد: امروز از مرز ۳.۶۷ درصد اورانیوم غنی شده عبور کردیم و مبنای غلظت براساس نیاز ما خواهد بود. (Islamic Republic News Agency, 2020). سخنگوی دولت با بیان اینکه «ما به هر قیمتی در برجام باقی نمی مانیم» تصریح کرد: هر کاری هم می کنیم برای حفظ برجام است، ولی باقی ماندن ما در برجام به طرف مقابل بستگی دارد، هر تصمیمی گرفته می شود به منافع ملی و مصالح کشور بستگی دارد. هر تصمیمی هم گرفته شود انسجام در کشور را مفید می دانیم، ما در سایه اجماع حرکت می کنیم (Mehr News Agency, 2022).

نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاکی از آن است که در کنار تاثیرات نظام شناختی رؤسای جمهور، متغیرهایی مانند نقش عوامل داخلی، عوامل بین المللی و عوامل بوروکراتیک و ساختاری نیز تاثیرات مشهودی در رویکرد سیاسی ایران در روند مذاکرات هسته ای با غرب داشته اند. اگرچه شدت و میزان تاثیرگذاری این متغیرها به صورت دقیق قابل اندازه گیری نیست؛ با توجه به شواهد و یافته ها، پس از روی کار آمدن دولت یازدهم، رویکرد و نگاه به پرونده هسته ای ایران نیز تغییر کرد و اصل مذاکره، رویکرد دیپلماسی و تعامل سازنده اتخاذ شد؛ به گونه ای که از طریق تنش زدایی، اعتمادسازی، دوری از امنیتی شدن، بهبود چهره و پرستیژ ایران، دیپلماسی فعال و روابط با سایر کشورها و سازمان های بین المللی زمینه را برای حل و فصل پرونده هسته ای ایجاد کرد.

اولین گام این امر را می توان در انتقال پرونده هسته ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه مشاهده کرد. دولت روحانی همواره از رویکردهای چندجانبه گرایانه و بین المللی گرایشی برای حل و فصل پرونده هسته ای دفاع می کرد و در نهایت این رویکرد منجر به حل و فصل پرونده هسته ای شد. در این راستا، سال ۲۰۱۵ را می توان نقطه عطفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست؛ از این جهت که چالش ها و مناقشات چندین ساله پرونده هسته ای ایران در جامعه جهانی و سازمان های بین المللی از طریق مذاکرات طولانی مدت، منجر به توافق نامه سیاسی و بین المللی با عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بین ایران و کشورهای موسوم به «۱+۵» شد.

روحانی توانست شخصیتی از خود را به جهان عرضه و معرفی کند که ترکیبی از صداقت و بیان قابل درک بین المللی را در خود داشت. در نتیجه در ذیل اعتدال، که دال مرکزی در گفتمان دولت حسن روحانی بود، سعی شد نوعی توازن بین واقع بینی و آرمان خواهی برقرار شود که این

به معنای کمتر شدن تعارض و ستیز با نظم بین الملل و پذیرش نسبی آن و لزوم تعامل با آن بوده است. نظام شناختی حسن روحانی به عنوان رهبر گفتمان اعتدال، شرایط و زمینه رهبری او را ذیل مفهوم رهبری تحول‌گرا فراهم کرد. روحانی با اقداماتی مانند تغییر در مراکز قدرت، تخصصی کردن نهادها، تغییر تاکتیک‌ها، تنش‌زدایی و تغییر ادراک و نگرش به خود و دیگری، ضمن تغییر و تحول و تنظیم یک دوره جدید از سیاست خارجی نشان داد که مشتاق به تغییر و تحول در روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی در روند مذاکرات هسته‌ای با غرب است. در این روند تمرکز و تأکید گفتمان اعتدال بر حل مناقشه هسته‌ای به عنوان محوری‌ترین موضوع سیاست خارجی بود. در واقع روحانی متأثر از نظام ذهنی، معنایی و ادراکی خود که نظام شناختی او را شکل می‌دادند و نیز با ادراک و تفسیر دیگر بازیگران نظام بین الملل به عنوان بازیگرانی با هویت دوستانه و متعامل، استراتژی مذاکره و تعامل در پرونده هسته‌ای را مبنای عمل خود در سیاست خارجی قرار داد. او سپس به تناسب جهان‌بینی خود در پرونده هسته‌ای، به عنوان موضوعی نه در صدر دیگر موضوعات سیاست خارجی بلکه در طول آن‌ها، چرخش اساسی به وجود آورد.

از این رو، با توجه به اولین سخنرانی و واکنش روحانی به خروج ترامپ از برجام از منظر ادراک نظام شناختی او به خوبی می‌توان این نکات را دریافت:

۱. تأکید او به پابندی دولت ایران به تعهداتش در برجام تا پیش از خروج آمریکا از این معاهده
۲. تأکید بر پابندی نبودن آمریکا به معاهدات بین‌المللی از جمله برجام و غیرقابل اعتماد بودن آمریکا
۳. تأکید بر این موضوع که برجام یک معاهده بین‌المللی چندجانبه میان چند کشور است و صرفاً بین ایران و آمریکا نیست که ترامپ بخواهد به صورت یک‌جانبه از آن خارج شود و این عمل قطعاً پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت.

در پایان در یک جمع‌بندی می‌توان مطرح کرد که در دوران ریاست جمهوری روحانی به ترتیب نظام شناختی و ادراک او، نظام بین‌الملل و فشارهای محیطی از جمله تحریم‌ها، عوامل ساختاری و بوروکراتیک (ساختار حکومتی، مسئله انتقال پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه) و در نهایت عوامل داخلی مانند نقش افراد (تصمیم‌گیران سیاست خارجی مانند وزیر امور خارجه)، افکار عمومی و گروه‌های ذی نفوذ و... تأثیرگذار بوده‌اند.

References

- Bayat, Saman (2021), The withdrawal of the United States of America from the JCPOA and the strategies of the Islamic Republic of Iran **[In Persian]**
- Mahmoudi Raja, Seyyed Zakaria and Siaposhi, Hossein (2016), Perception of the national role and its impact on the evolution of Iran's foreign policy, Global Policy Quarterly, 6th volume, number 4, pp. 187-211 **[In Persian]**
- Mirzaei Keshei Farahani, Narges and Rahmani, Forough (2020), the study of the relations between the Islamic Republic of Iran and the European Union in the post-JCPOA era with an emphasis on the withdrawal of the United States from the JCPOA, the 11th National Conference on Management and Humanities Research in Iran **[In Persian]**
- Abedini, Hassan, Yazdi, Jahanbakhsh. The role of internal variables in the politicization of nuclear negotiations of the 11th government, strategic studies of public policy, volume 7, number 4, pp. 271-289 **[In Persian]**
- Ahmadinejad, Hamid, Yazdani, Enayatullah, Vathoqi, Saeed (2018), the mutual influence of the individual and the structure on the decision-making strategies of Iran's nuclear case; A case study of the discourse of new fundamentalism, Majlis and Strategy Quarterly, Volume 26, Number 2, pp. 364-337 **[In Persian]**
- Alikhani, Morteza, Qurbani Sheikh Nashin, Arslan, Qaidi, Mohammad Reza, Iran's nuclear program and the Middle East security regime in the Trump era, International Relations Studies, Volume 12, Number 3, pp. 131-15 **[In Persian]**
- Badr Garmi, Mohammad Reza, Habibi Majandeh, Mohammad (2023), Principles and rules governing the fundamentalization of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran (approaches and findings), Islamic World Fundamental and Applied Studies Quarterly, Volume 5, Number 4, pp. 53-77 **[In Persian]**
- Bagheri Daulatabadi, Ali and Mardanlou, Ismail (2014), effective factors in achieving the nuclear agreement in the 11th government, Iranian Journal of International Politics Quarterly, Volume 3, Number 2, pp. 28-48 **[In Persian]**

- Bagheri Daulatabadi, Ali, Shafii Seifabadi, Mohsen (2014). From Hashemi to Rouhani, examining Iran's foreign policy in the light of constructivist theory, Tehran: Tisa Publishing[**In Persian**]
- Berman, Ian(2012), " The Kremlin's Iran Problem", Washington: American Foreign Policy.
- Bowen, W.(2016), Living on the Edge: Iran and the Practice of Nuclear Hedging, London: Palgrave Macmillan.
- Dehghani Firouzabadi, Jalal (2012). Foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Samat[**In Persian**]
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal and Ataei, Mahdi, Discourse Analysis of Ahmadinejad Government's Nuclear Policy from Hegemony to Decline, Iranian Journal of International Politics, Volume 4, Number 4, pp. 58-58[**In Persian**]
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal and Atai, Mehdi (2013), The Nuclear Discourse of the 11th Government, Strategic Studies Quarterly, Volume 17, Number 2, pp. 117-93[**In Persian**]
- Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2008), Justice-centered fundamentalism discourse in Ahmadinejad government's foreign policy, Political Knowledge Magazine, Volume 2, Number 5, pp. 67-98[**In Persian**]
- Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2014), principles and foundations of international relations (1), Tehran: Semit[**In Persian**]
- Ezgoli, Mohammad, An Introduction to Ethical Leadership Approaches, Faculty of Humanities Journal, Volume 15, Number 1, pp. 53-76[**In Persian**]
- Heydari, Ayoub, influential factors in the formation of the nuclear policy of the Islamic Republic of Iran based on the micro, macro and intermediate levels of international relations; A case study (1392-1376), master's thesis in the field of international relations, Yazd, Yazd University, Humanities and Social Sciences Campus[**In Persian**]

- Ismaili, Mustafa, Nouri, Waliullah. The policy of the United States of America towards the nuclear program of the Islamic Republic of Iran: a review of the politics of the democrats, *World Politics*, Volume 10, Number 4, pp. 284-259 **[In Persian]**
- Jervis, R. (2017). 5. Signaling and Perception: Projecting Images and Drawing Inferences. In *How Statesmen Think* (pp. 124–107). Princeton University Press. <https://doi.org/007-9781400885336/10.1515>
- Jervis, R. (2017). *Perception and Misperception in International Politics. Perception and Misperception in International Politics*. Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400885114>
- Karimi Fard, Hossein. Rouhani's de-escalation policy towards America; Objectives and Obstacles, *Policy Quarterly*, Volume 49, Number 1, pp. 205-224 **[In Persian]**
- Mousavinia, Seyed Reza (2013), decision-making patterns in Iran's foreign policy; A comparative study of Pahlavi II era "1342-1357" and Islamic Republic "1368-1357", Qom: Mofid University **[In Persian]**
- Rasouli Thani Abadi, Elham (2009), maintaining ontological security and the irreconcilability of the Islamic Republic of Iran system in nuclear policy, *Political Science Quarterly*, Volume 13, Number 51, pp. 166-135 **[In Persian]**
- Rasouli Thani Abadi, Elham and Mir Hosseini, Seyed Mohsen (2014), examining the factors shaping the nuclear policy of the moderate government based on James Rosena's theory of continuity, *Strategy Quarterly*, Volume 23, Number 74, pp. 250-235 **[In Persian]**
- Rezaei, Alireza and Turabi, Qasim (2012), Hassan Rouhani's foreign policy; Constructive interaction in the framework of developmentalist government, *Quarterly Journal of Political and International Research*, Volume 5, Number 15, pp. 162-131
- Safavi Hammami, Seyyed Hamzeh (2007), Autopsy of the Foreign Policy of the Is-

Islamic Republic of Iran, Tehran: Imam Sadiq University Publications **[In Persian]**

Sazmand, Bahareh (2019), the policy of looking to the east: analysis of Iran's scientific-cultural diplomacy towards the Islamic countries of Southeast Asia, Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Volume 2, Number 4, pp. 53-53 **[In Persian]**

Shariatnia, Mohsen and Toheidi, Zahra (2012), Iran and the Structural Power of the West, Foreign Relations Quarterly, Volume 3, Number 3, pp. 125-150 **[In Persian]**

Tajik, Hadi (2021), a comparative study of the foreign policy of the administrations of Barack Obama, Donald Trump and Joe Biden towards the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Volume 4, Number 1, pp. 9-37 **[In Persian]**

